پنجشنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۳
شماره ۴۲۵۵
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

کشورهای منطقه چه موضعی در قبال اتفاقات یک سال اخیر داشته‌اند

تعلیق سیاسی در منطقه

زهرا طیبی- علی ملکی
گروه نقد روز

در نخستین روزهای جنگ ۲۰۲۳ غزه، زمانی که رژیم صهیونیستی یکی از متراکم‌ترین مناطق جهان را هدف قرار می‌داد، این ایده مطرح شد که پس از نابودی حماس، مدیریت غزه به گروه‌های فلسطینی مرتبط با عربستان و امارات سپرده شود. این ایده تا جایی پیش رفت که برخی منابع خبری اعلام کردند آمریکا، اسرائیل و امارات متحده عربی در حال کار روی ایجاد یک کمیته ملی متشکل از رهبران و شخصیت‌های تجاری فلسطینی‌اند تا پس از پایان جنگ، اداره غزه را به عهده بگیرند. مرور این اخبار به ما کمک می‌کند تا بهتر بفهمیم چرا عربستان، امارات و اردن برای ایجاد یک مسیر زمینی و رساندن کالا به اسرائیل اقدام کردند، در حالی که یمن شریان حیاتی رژیم صهیونیستی در دریای سرخ را تحت فشار قرار داده بود. منافع کشورهای عربی در این زمینه، رهبران این کشورها را وادار می‌کند که خود در معادلات منطقه به نفع اسرائیل عمل کنند. آنها در عین حال با ایجاد ظاهری فریبنده، در مقابل افکار عمومی خود را حامی فلسطین نشان می‌دهند. این در حالی است که آنها تمام ظرفیت‌های رسانه‌ای، اقتصادی، اطلاعاتی و نظامی خود را به نفع تل‌آویو فعال کرده‌اند. مشابه این رفتار سودجویانه از سوی دولت‌های عربی را می‌توان در ماجرای تحریم‌های ایران نیز مشاهده کرد. هنگامی که کشورهای غربی به تدریج حلقه تحریم‌ها را بر ایران تنگ‌تر می‌کنند و حتی مسیرهای هوایی را نیز روی ایران می‌بندند، ایران مجبور می‌شود به دنبال واسطه‌های منطقه‌ای برای تأمین نیازهای ارتباطی و اقتصادی خود بگردد. ترکیه و امارات معمولاً چنین نقشی را برای ایران ایفا کرده‌اند و در نتیجه، سود خوبی از قبل تحریم‌های ضد ایرانی برده‌اند. به همان اندازه که احتمالاً از واسطه‌گری در ماجرای غزه نیز منفعت خواهند برد. این منفعت‌جویی، دلیل مواضع خنثی و حتی حمایتگرانه برخی کشورهای عربی در قبال جنایات اخیر منطقه را روشن‌تر می‌کند. به منظور بررسی تأثیرات جنگ غزه بر فضای سیاسی و اقتصادی برخی کشورهای منطقه و رویکردهای آنها در قبال این جنگ، به گفت‌وگو با چند کارشناس منطقه‌ای پرداختیم. در ادامه، مشروح این گفت‌وگوها که تصویری نسبتاً واضح از تعاملات منفعت‌جویانه برخی کشورهای منطقه با اسرائیل را ارائه می‌دهد، از نظر می‌گذرانید.

در جنگ آمریکایی یک سال اخیر چه نقشی برای امارات تعریف شده است؟

بازی پیچیده همسایه کوچک

۷ اکتبر تقریبا تمام معادلات کشورهایی را که به سمت عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی حرکت می‌کردند، به هم ریخت. آنها از تعاملات خود با اسرائیل عقب کشیدند اما بعد از مدتی دوباره آن را کلید زدند. نکته جالب توجه این است که در جریان بالا رفتن تنش‌ها میان ایران و اسرائیل، آنها در کنار اسرائیل ایستادند اما همچنان مواضع خود را علنی نکردند. در این میان موضع امارات به لحاظ روابط تجاری که با ایران دارد، حائز توجه است. برای بررسی بیشتر رفتار کشور امارات و عمان با جواد میرگلوی بیات، کارشناس مسائل خاورمیانه گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه متن آن را از نظر می‌گذرانید.

امارات برنده بهار عربی بود و عربستان بازنده آن

میرگلوی بیات کارشناس مسائل عمان معتقد است برای بررسی رفتار امارات و عمان در مورد اسرائیل باید به قبل از ۷ اکتبر برگشت و گفت: «برای اینکه از سیاست‌ها، تصمیمات و راهبردهای کشورهای منطقه، بعد از طوفان الاقصی و وقایع امروز به خصوص در مورد دو کشور عمان و امارات صحبت کنیم، باید به قبل از ۷ اکتبر و قبل از شروع طوفان الاقصی برگردیم و ببینیم قبل از ۷ اکتبر، اتحادها، ائتلاف‌ها و همکاری‌های منطقه چه شکلی داشت. قبل از ۷ اکتبر مهم‌ترین اتفاق منطقه در غرب آسیا و شمال آفریقا بهار عربی بود که تقریبا یک دهه طول کشید. اگر بخواهیم به‌طور کلی از بهار عربی و نقش امارات و عمان در نسبت با بهار عربی صحبت کنیم، می‌توان گفت امارات و عمان از برندگان بهار عربی بودند. برای درک بهتر مسئله می‌توان ادعا کرد مثلا کشور عربستان یکی از بازندگان بهار عربی بود. قبل از بهار عربی، امارات چنین نفوذی در کشورهای مختلف نداشت، این همه پایگاه نظامی و متحد و ائتلاف و نفوذ در نقاط مختلف را در منطقه نداشت، ولی عربستان که قبلا در سطح هیئت حاکمه کشورها، نفوذ خارق‌العاده‌ای داشت، امروز شاهد اینیم که در چند کشور یا این نفوذ را از دست داده یا کلا از معادلات آنها خارج شده است. برای مثال در لبنان بعد از ماجراهای سعد حریری، دیگر نفوذ آنچنان ندارد، سوریه را تقریبا از دست داده و یمن هم که عملا در مقابل عربستان تبدیل به یک خصم شده است اما امارات قبلا در بسیاری از این کشورها که امروز حضور دارد، نفوذی نداشت ولی امروز می‌بینیم از لیبی گرفته تا شرق آفریقا در یمن و عراق و... حضور فعالی دارد با سوریه هم رابطه خوبی ایجاد کرده است.»

بیات به این موضوع اشاره کرد که بعد از بهار عربی، امارات سطح دیگری در منطقه پیدا کرد و توضیح داد: «امارات برنده بهار عربی بود و توانست قدرت خودش را یک سطح یا بهتر است بگوییم چندین سطح در منطقه ارتقا دهد. عمان هم در این میان در بهار عربی توانست چهره میانجی‌گری خود را تثبیت کند و در حالی که مسائل مهم منطقه‌ای و نزاع‌های گسترده وجود داشت، عمان به هیچ وجه وارد نزاع‌ها و درگیری‌ها نشد و سعی کرد همواره میانجی باشد و برای عمان هم مسئله بهار عربی، یک سطح ارتقا در دکترین سیاست‌های عمانی که همان میانجیی‌گری بود به حساب می‌رفت. عمان بعد از بهار عربی توانست بین اوکراین و روسیه وساطت کند و سران عمان با روسیه جلسه می‌گذارند. برای جمع‌بندی می‌توان گفت، تا قبل از طوفان الاقصی و ۷ اکتبر امارات و عمان جایگاه‌شان را به دو جهت متفاوت ارتقا دادند ولی هر دو ارتقا یافتند.»

۷ اکتبر؛ ضربه اساسی به چشم‌انداز سران امارات در مورد اسرائیل

میرگلوی بیات در ادامه به این موضوع اشاره کرد که امروز امارات به دنبال تاثیرگذاری روی نظم منطقه‌ای است و گفت: «امروز باید قبول کنیم امارات یک بازیگر منطقه‌ای است. تبدیل شدن به یک قدرت منطقه‌ای، بعد از گذشت یک دهه از بهار عربی سبب شد، امارات دنبال تاثیرگذاری روی نظم‌های منطقه‌ای، نظم‌های جهانی و حتی همکاری با قدرت‌های بزرگ برود و به موازات افزایش این نفوذ منطقه‌ای، اقتصاد امارات نیز پیشرفت کرد و توانست سرعت رشد اقتصادی خود را بالا ببرد، اقتصادش را بزرگ کند و همین امر باعث شد این کشور مورد توجه قدرت‌های غربی و شرقی مثل چین قرار بگیرد. امارات، نوعی از کنشگری داشته که توانسته منافع غرب و شرق را در منطقه‌ای فاقد امکانات طبیعی و ژئوپلیتیک خاصی جمع کند و این یک موفقیت برای امارات بوده است. در چنین فضایی امارات با زمزمه‌های خروج آمریکا از منطقه دنبال این بود که خود را به عنوان بازیگر اصلی در منطقه نشان دهد و خود را از زیر چتر عربستان و هژمونی ایران و نفوذ سنتی ترکیه خارج کند و حتی در سطح جهانی هم بازیگری داشته باشد و البته این بازیگری بیشتر با غرب هماهنگ بود تا شرق. همین مسئله باعث شد در پروژه‌هایی مثل I۲U۲ که در اتصال منطقه اقیانوسیه و هند به اروپا از طریق اسرائیل است بازیگری داشته باشد و این یکی از مسائل مهمی است که باید قبل از طوفان الاقصی به آن توجه کنیم. اگر بپذیریم امارات تبدیل به یک قدرت منطقه‌ای شده که سعی در بازیگری در سطح جهانی داشت و در راستای سیاست‌های آمریکا و اسرائیل عمل می‌کرد و با خروج آمریکا از منطقه به دنبال این بود که ضعف نظامی و اطلاعاتی و امنیتی خود را با حضور اسرائیل پوشش دهد، به این نتیجه می‌رسیم که ۷ اکتبر یک ضربه اساسی به آن چشم‌اندازی بود که سران امارات دنبال می‌کردند. اگر اسرائیل ضربه نمی‌خورد، با توجه به جایگاهی که امارات در پروژه آیمک برای خود تعریف کرده بود و آن نظم منطقه‌ای که دنبال آن است، امروز توان بیشتری در منطقه داشت. مضاف بر این امارات و اسرائیل در پرونده‌های مختلف مانند تجزیه منطقه، فشار روی مصر در اتیوپی، سیاست‌هایی که در لیبی اجرامی شود و سیاست‌های کنترل مصر که از طریق سرمایه‌گذاری امارات انجام می‌شود، هماهنگند. در همه این موارد با اسرائیل همنظر و همراه است و به نوعی، ارتقای جایگاه منطقه‌ای خودش را به اسرائیل گره زده است. امروز که یک سال از ۷ اکتبر می‌گذرد، باید بدانیم رابطه امارات و اسرائیل، فقط بعد از ۷ اکتبر نبوده و ریشه‌های عمیق‌تر اقتصادی، امنیتی، نظامی و ژئوپلیتیکی دارد. حتی اخباری آمد مبنی بر اینکه در حملات اسرائیل به لبنان امارات نقش داشته یا پایگاه‌های آمریکایی در امارات در عملیات‌های وعده صادق به پدافند منطقه‌ای اسرائیل کمک کردند. این سیاست‌های کلی امارات در قبال اسرائیل بعد از ۷ اکتبر بوده و قطعا شکست اسرائیل و هر نوع پیروزی مقاومت، به نوعی به ضرر امارات تمام می‌شود.»

تعامل عمان با اسرائیل مثل استخوان در گلو

میرگلوی بیات در ادامه به رفتار عمان در قبال اسرائیل اشاره کرد و گفت: «عمان و امارات توانستند در بهار عربی جایگاه خودشان را ارتقا دهند و سطح کنشگری خودشان را چند سطح بالا ببرند. ولی ماهیت کنشگری عمان و امارات با هم تفاوت داشت. عمان وارد هیچ نزاعی نشد و حتی وارد نزاع یمن در همسایگی خودش نشد. وارد اتحادها و ائتلاف‌های منطقه‌ای نشد و سعی کرد که نقش میانجی خودش را ایفا کند و موفق هم بود. عمان با چنین جایگاهی که در بهار عربی به دست آورد، توانست در سطح جهانی نیز تاثیرگذار باشد. در این میان مسئله اسرائیل و صلح ابراهیم ترامپ، عمان را نیز تحت فشار قرار داده بود. به هرحال کشورهای منطقه، صف کشیده بودند که به معاهده ابراهیم بپیوندند ولی عمان مقاومت می‌کرد. مقاومتش هم به این صورت بود که عمان در سطح سران در این نشست‌ها حضور پیدا نمی‌کرد. برای مثال خود سلطان نمی‌رفت و معاونین خود را می‌فرستاد. به هرصورت، دوست نداشت در این فضا کنشگری کند. اما شرایط منطقه‌ای و فضایی که ایجاد شده بود داشت عمان را هم تحت تاثیر قرار می‌داد و آنها را هم در مسیر عادی‌سازی پیش می‌برد؛ هرچند که عمانی‌ها مقاومت داشتند. اما فشارهای منطقه عمان را هم تحت تاثیر قرار می‌داد و عمان ناگزیر بود به برخی از فشارها تن دهد. برای مثال وقتی عربستانی‌ها، حریم هوایی خود را در اختیار اسرائیل قرار دادند، عمان برای مدت زیادی در مقابل در اختیار قرار دادن حریم کشورش برای پروازهای اسرائیلی مقاومت کرد. جالب است بدانیم بدون حریم هوایی عمان، پروازهای به سمت جنوب آسیا و شرق آسیای اسرائیل، حتی با استفاده از حریم هوایی عربستان هم اقتصادی نمی‌شد. فشارهای زیادی به عمان وارد شد و اقداماتی مثل قطع برق سراسری در عمان انجام شد و عمان رضایت داد که بنا به شروطی هواپیماهای اسرائیلی از فراز عمان بگذرند. با این شرایط عمان، به نوعی استخوان در گلو با اسرائیل تعامل می‌کرد تا طوفان الاقصی شروع شد. به محض اینکه طوفان الاقصی شروع شد، ما شاهد کنشگری عمان برخلاف امارات بودیم. یعنی آنچه که امارات در حمایت از اسرائیل انجام داد، عمان عکس آن را انجام داد. برای مثال حریم هوایی خود را بست، تحریم‌های گسترده جامعه و دولتش علیه اسرائیل و حامیان رژیم صهیونیستی اعمال شد. دولت عمان جامعه را آزاد گذاشت علیه اسرائیل به راحتی اعتراض کنند، این درحالی بود که امارات به شدت با اعتراضات برخورد می‌کرد. سلطنت عمان اجازه داد مفتی اعظم این کشور علیه اسرائیل مواضع اساسی بگیرد. شیخ احمد خلیلی حتی از نابودی اسرائیل صحبت کرد. همچنین کمک‌های مالی و کالایی و خدماتی زیادی به غزه ارسال کردند و پزشکان عمانی به غزه رفتند و در سطح سیاسی هم عمان در سازمان‌های بین‌المللی، اسرائیل را جنایت‌کار جنگی دانست و از آنها شکایت کرد و به لحاظ سیاسی، مواضع بسیار سختی گرفتند و در کل بعد از ۷ اکتبر، عمان مواضع متفاوتی در مقایسه با امارات گرفت.»

امارات نگران شکست اسرائیل در منطقه است

بیات به این موضوع اشاره کرد که با بالا رفتن سطح تنش‌ها در منطقه، هم امارات و هم عمان هردو نگران بالا رفتن تنش‌هایند و گفت: «امروز که سطح تنش میان ایران، اسرائیل و محور مقاومت به این سطح رسیده و وقایع دوسه هفته پیش اتفاق افتاده است، امارات و عمان، هردو از افزایش تنش در منطقه نگرانند ولی سطح نگرانی یکسان نیست. نگرانی عمان از این لحاظ است که افزایش تنش در منطقه ممکن است منجر به ایجاد ناامنی شود و برای مثال صنعت گردشگری آن کشور را تحت تأثیر قرار دهد و به هیچ وجه نگران نیست که در فعل و انفعالات منطقه به لحاظ نظامی و امنیتی آسیب ببیند یا زیرساخت‌های آن ضربه بخورد و درون کشور رعب و وحشت به وجود بیاید. چنانچه که هفته گذشته، ارتش جمهوری اسلامی ایران برای اولین بار بعد از انقلاب تمرین نظامی مشترک درون خاک عمان با ارتش سلطنتی انجام داد. هرچند که این تمرین از قبل برنامه‌ریزی شده بود ولی یک پیام دارد و به این معنی است که عمان نگرانی عمده‌ای به لحاظ افزایش سطح تنش در منطقه و سرایت آن به این کشور ندارد و تنها نگران این است که تنش در منطقه بالا رود و دوقطبی‌ها شدت گیرد و عمان نتواند نقشش را به عنوان میانجی‌گر ایفا کند؛ هرچند که بازهم به عمان در شرایط بحرانی نیاز است و نگران امنیتی و نظامی خاصی ندارد اما امارات نگران شکست اسرائیل در منطقه است و نگران این است که سطح تنش در منطقه و حملات اسرائیل به ایران، به منافعش نه تنها در کشورش بلکه در نقاط دیگر منطقه هم آسیب بزند. به هرصورت دانستیم که امارات، در یک تفاهم و تقریبا اتحاد با اسرائیل در منطقه قرار دارد که دنبال نظم منطقه‌ای مورد نظر خودشانند و از شکست و تضعیف اسرائیل در جنگ امروز بسیار، نگران است.»

شعیب بهمن، کارشناس مسائل منطقه از نقش‌آفرینی جمهوری آذربایجان در تحولات منطقه گفت

عقلانیت سیاسی در گروی تصمیمات مقامات آذربایجان

مقامات جمهوری آذربایجان از معدود افرادی‌اند که در زمینه حمایت از رژیم صهیونیستی چندان تمایزی بین سیاست‌های اعلامی و اعمالی خود قائل نشده‌اند؛ چنانکه هیچ موضع شفاف و صریحی از حمایت باکو از نوار غزه وجود ندارد و در عین حال خطوط لوله انتقال انرژی به سرزمین‌های اشغالی همیشه فعال است. از طرف دیگر جمهوری آذربایجان یکی از بازیگران مهم منطقه و همچنین از عناصر مهم میان منازعات ایران و رژیم صهیونیستی است که به واسطه هم‌مرز بودن با ایران از یک سو و بودن در کنار اسرائیل به عنوان یک متحد استراتژیک از سوی دیگر نقش مهمی در تنش‌های موجود دارد. همچنین برقراری روابط گسترده با رژیم صهیونیستی در زمینه‌های مختلف اقتصادی، نظامی و امنیتی در تاریخ آذربایجان دیده می‌شود و این همکاری‌ها در حوزه‌های انرژی و تسلیحاتی خیلی مستحکم‌تر است. این گزاره‌ها در کنار یکدیگر نقش جمهوری آذربایجان را در تحولات منطقه مورد توجه قرار می‌دهد که برای بررسی آن با شعیب بهمن، کارشناس مسائل منطقه گفت‌وگو کرده‌ایم و در ادامه متن آن را از نظر می‌گذرانید.

بهمن: آذربایجان روابط گسترده‌ای با رژیم صهیونیستی دارد

ارزیابی نوع روابط جمهوری آذربایجان با ایران و رژیم صهیونیستی کمک می‌کند تا فهم بهتری از سیاست‌های آذربایجان شکل بگیرد. شعیب بهمن با اشاره به اهمیت این موضوع تشریح کرد: «در سال‌های گذشته اساسا شاهد یک واگرایی از سوی باکو نسبت به ایران بوده‌ایم و در تمام فرایندهای سیاسی، امنیتی، نظامی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی یک عدم تمایل کاملا محرز و آشکار در بین سیاستمداران جمهوری آذربایجان نسبت به ایران وجود داشته است. نکته قابل توجه این است که جمهوری آذربایجان هرچه از ایران دور شده، ما به‌ازای آن در طرف دیگر به اسرائیل نزدیک شده است؛ به نحوی که امروز روابطی چندبعدی و درهم‌تنیده وجود دارد که می‌شود آن را در همه حوزه‌ها مشاهده کرد؛ مثلا امروز جمهوری آذربایجان تأمین‌کننده بیش از ۴۰ درصد از نفت مصرفی رژیم صهیونیستی است و بیش از ۷۰ درصد از تسلیحاتش را از اسرائیل خریداری می‌کند. وقتی چنین روابط گسترده‌ای در حوزه‌های نظامی و امنیتی وجود دارد، کاملا مشخص می‌شود که روابط در دیگر حوزه‌ها به چه نحوی است.»

علی‌اف در اوج جنگ روز استقلال اسرائیل را تبریک گفت

این کارشناس مسائل منطقه معتقد است اگرچه جمهوری آذربایجان تلاش می‌کند که به شکل مستقیم خودش را درگیر نکند اما قطعا طرف اسرائیل ایستاده است. او در این باره توضیح داد: «در اوج جنایت‌ها و نسل‌کشی رژیم صهیونیستی، دیدارهایی بین مقامات ارشد طرفین وجود داشته و آذربایجان مناسبت‌های مختلف مثل روز استقلال اسرائیل را که همه مسلمانان آن روز را روز نکبت می‌نامند، به نتانیاهو تبریک گفت. در حالی که اساسا اسرائیل روز استقلال ندارد و اصلا موضوعیت ندارد که در این کشمکش جنگ، علی‌اف این روز را به نتانیاهو تبریک بگوید. ضمنا هنوز هیچ محکومیتی از سوی جمهوری آذربایجان درباره جنایت‌های رژیم چه در غزه و چه در لبنان و چه حتی درباره اقدامات خصمانه رژیم در ایران مثل ترور شهید هنیه و حمله به ساختمان کنسولگری ایران در سوریه وجود نداشته است.»

آذربایجان به مقر اسرائیل تبدیل شده است

علی‌رغم تشدید تنش‌ها در منطقه و محکومیت رژیم صهیونیستی توسط کشورهای مختلف جهان، جمهوری آذربایجان چندان تمایلی به کاهش روابط خود با این رژیم ندارد. شعیب بهمن در ادامه از پابرجا بودن روابط مستحکم میان طرفین گفت و ادامه داد: «با وجود اینکه کاهش روابط کشورهای اسلامی با اسرائیل یک خواست عمومی میان همه مسلمان‌هاست و حتی در افکار عمومی جهانی هم این موضوع به صورت جدی مطرح می‌شود، جمهوری آذربایجان روابطش را به شکل گسترده با رژیم ادامه می‌دهد. این نشان می‌دهد که از نظر باکو روابط همچنان باید تداوم پیدا کند. نکته مهم اما آنجاست که اسرائیلی‌ها به جمهوری آذربایجان به مثابه جغرافیایی می‌نگرند که از طریق آن می‌توانند به ایران ضربه بزنند. در واقع از نظر اسرائیلی‌ها، همان‌طور که ایران در فلسطین و لبنان و سوریه نفوذ دارد، اسرائیلی‌ها هم به دنبال یک آسیب متقابل در پشت مرزهای ایران بوده‌اند که بتوانند این استراتژی ایران را متقابلا علیه خود جمهوری اسلامی ایران پیاده کنند. در این بین جمهوری آذربایجان به مقر رژیم صهیونیسیتی تبدیل شده و در سال‌های گذشته هم اسرائیلی‌ها بارها از مبدأ خاک جمهوری آذربایجان اقدامات خرابکارانه و تروریستی انجام داده‌اند. در نتیجه موضوع کاملا روشن و واضح است و همچنان جمهوری آذربایجان به صورت کامل روابطش را با اسرائیل ادامه می‌دهد و هیچ تمایلی هم به کاهش یا تجدید نظر در آن ندارد.»

ایران و آذربایجان توافقنامه امنیتی دارند

بهمن در پاسخ به این سوال که در صورت گسترش آتش میان ایران و رژیم صهیونیستی، آذربایجان در کدام طرف نقش خود را تعریف خواهد کرد، گفت: «آذربایجان بازیگر تعیین‌کننده‌ای نیست که بخواهد وارد این موضوع شود. اسرائیلی‌ها بحث‌هایی را مطرح می‌کنند که اگر جنگی بخواهد اتفاق بیفتد، می‌توانند از خاک جمهوری آذربایجان علیه ایران استفاده کنند. منتها براساس تفاهمنامه امنیتی که بین ایران و جمهوری آذربایجان وجود دارد، دو طرف در سال‌های گذشته توافق کردند که خاک‌شان را در اختیار سایرین قرار ندهند که اقدامی علیه طرفین انجام شود. بنابراین یک مبنای حقوقی و توافق سیاسی بین ایران و جمهوری آذربایجان در این زمینه وجود دارد. در عین حال آذربایجان و هر کشور دیگری در منطقه می‌داند که اگر بخواهد خاکش را در اختیار اسرائیل قرار دهد تا علیه ایران اقدامی انجام دهد، حتما پاسخ مقتضی را دریافت خواهد کرد. بنابراین دولت باکو قطعا متوجه این موضوع است که اگر بخواهد چنین کاری کند، با چه عواقب و پیامدهای خطرناکی ممکن است مواجه شود.»

آذربایجان؛ آشیانه پهپادهای اسرائیل

بهمن با تأکید بر اینکه جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی در حوزه‌های مختلف از جمله در حوزه‌های امنیتی روابط گسترده‌ای دارند گفت: «در سال‌های گذشته بارها تیم‌های خرابکاری و تروریستی اسرائیلی از مبدا خاک آذربایجان اقدامات ضدامنیتی انجام داده‌اند و حتی چندین بار پهپادهای اسرائیلی از مبدأ جمهوری آذربایجان وارد خاک ایران شده‌اند. بنابراین همه این موضوعات از قبل رصد شده و هوشمندی و هوشیاری کامل در ایران نسبت به این مسئله وجود دارد و جمهوری آذربایجان می‌داند که اگر دست از پا خطا کند، یک پاسخ خیلی جدی دریافت خواهد کرد. منتهی اینکه عقلانیت سیاسی در جمهوری آذربایجان به کدام سمت و سو برود که اسرائیلی‌ها بتوانند باکو را مجاب کنند یا فشارهای طرف‌های دیگر به چه نحوی باشد و جمهوری آذربایجان چه تصمیمی بگیرد، قاعدتا به عهده مقامات سیاسی این کشور است.»

سیدهادی سیدافقهی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» رویکرد عربستان در قبال جبهه مقاومت را خصمانه توصیف کرد

با دوستان عداوت با دشمنان مدارا

سیدهادی سیدافقهی، کارشناس مسائل منطقه و سفیر سابق ایران در لبنان، در مصاحبه‌ای به تحلیل رفتار عربستان سعودی در قبال جنگ غزه و حمایت‌های این کشور از رژیم صهیونیستی پرداخت. وی سیاست عربستان را نه تنها منافقانه، بلکه خصمانه توصیف کرد و تأکید کرد این رفتار در تمامی شبکه‌ها و فضای مجازی و جریان‌های سیاسی وابسته به این کشور در سطح منطقه، از لبنان و کویت تا بحرین، مصر و اردن، به‌وضوح مشاهده می‌شود. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه از نظر می‌گذرانید.

موضع‌گیری‌های دوپهلو و محتاطانه عربستان

این کارشناس مسائل منطقه‌ای با اشاره به موضع‌گیری‌های رسمی عربستان، آنها را محتاطانه و دوپهلو دانست. وی اظهار داشت حتی در مواردی که وزرای خارجه عربستان موضع‌گیری کردند، این مواضع به قدری غیرشفاف بود که نمی‌توان آن را به‌عنوان حمایت واقعی از مردم فلسطین و مقاومت ارزیابی کرد. وی اضافه کرد این سیاست‌های عربستان به‌طور کامل در جهت حمایت از رژیم صهیونیستی بوده است. وی افزود این شبکه‌ها، ازجمله العربیه و ام‌بی‌سی، با جانبداری آشکار از رژیم صهیونیستی، به جای دفاع از جریان‌های مقاومت، مواضعی منفی و تهاجمی علیه آنها اتخاذ کرده‌اند. سیدافقهی تصریح کرد برخورد این رسانه‌ها با تحولات منطقه به‌ویژه در غزه و لبنان، به نفع رژیم صهیونیستی بوده و هیچ‌گونه حمایتی از مقاومت نشان نداده‌اند.

کمک‌های اطلاعاتی و لجستیکی به رژیم صهیونیستی

سیدافقهی به مسئله حمایت‌های مستقیم عربستان و متحدانش از اسرائیل نیز اشاره کرد. وی گفت در جریان درگیری‌های اخیر و همچنین در ماجرای جلوگیری از حرکت کشتی‌ها به بندر ایلات در فلسطین اشغالی توسط یمنی‌ها، عربستان، امارات و اردن راه زمینی را برای رساندن مواد مورد نیاز رژیم صهیونیستی باز کردند. او همچنین افزود این کشورها در ارائه کمک‌های اطلاعاتی به اسرائیل نیز نقش فعالی داشته‌اند و با آمریکا در این زمینه هماهنگ بوده‌اند.

وعده صادق و نقش عربستان در مقابل ایران

سیدافقهی با اشاره به مسئله «وعده صادق» و حملات موشکی و پهپادی ایران به فلسطین اشغالی، اظهار داشت هنوز شواهد قطعی در این زمینه وجود ندارد اما اطلاعاتی نشان می‌دهد عربستان، امارات و اردن با رژیم صهیونیستی همکاری کرده و حتی در مقابله با این حملات، در کنار آمریکا ایستاده‌اند. وی این اقدامات را برخلاف ادعاهای عربستان درباره حمایت از فلسطین و قدس شریف دانست و تأکید کرد چنین رفتارهایی برای کشوری که خود را «خادم‌الحرمین شریفین» می‌نامد، به‌شدت نامناسب و غیرقابل قبول است.

نقش مزدوران رسانه‌ای در تخریب مقاومت

افقهی ادامه داد عربستان به جای حمایت از مقاومت و مردم فلسطین، به مزدور دشمنان آنها تبدیل شده است. او تصریح کرد حتی برخی از سلاطین و روحانیون عربستان این ادعا را مطرح کرده‌اند که جنگ در غزه جهاد نیست، بلکه فتنه است و کشته‌شدگان این درگیری‌ها به جهنم خواهند رفت. وی در ادامه بیان کرد این نوع مواضع نه تنها کمکی به مردم فلسطین نمی‌کند، بلکه نمکی بر زخم آنها بوده و باعث تشدید درد و رنج آنها می‌شود. در ماجرای شهادت سیدحسن نصرالله و ضربات به حزب‌الله، آنها جشن گرفته‌اند. سیدافقهی همچنین به نقش برخی افراد مزدور در عربستان اشاره کرد. وی به‌ویژه به شخصی به نام «الحسینی» اشاره کرد که اصالتا شیعه لبنانی است اما اکنون با موساد و سیا همکاری می‌کند. وی اضافه کرد این فرد دفتر رسمی در عربستان دارد و به‌طور مرتب در شبکه العربیه، که ارگان رسمی عربستان سعودی است، به حزب‌الله لبنان و جریان مقاومت فحاشی و هتاکی می‌کند. سیدافقهی تأکید کرد این فرد به‌عنوان یکی از چهره‌های رسانه‌ای مزدور، به تخریب مقاومت و حمایت از رژیم صهیونیستی مشغول است.

عادی‌سازی روابط عربستان با اسرائیل

افقهی در بخش دیگری از این مصاحبه به مسئله عادی‌سازی روابط عربستان با اسرائیل اشاره کرد. وی گفت عربستان سعودی هیچ‌گاه انکار نکرده که به صورت غیرمستقیم و با واسطه آمریکایی‌ها، همچنان در حال مذاکره برای عادی‌سازی روابط با اسرائیل است. وی افزود آنها تنها منتظر نتیجه نهایی جنگ در لبنانند تا ببینند چه خواهد شد. سیدافقهی تأکید کرد این روابط پشت پرده و همکاری‌های عربستان با رژیم صهیونیستی، در راستای تضعیف محور مقاومت و خیانت به آرمان فلسطین است.

تغییرات احتمالی در رفتار عربستان با بازگشت ترامپ

افقهی در ادامه به تأثیر احتمالی انتخابات آمریکا بر رفتار عربستان اشاره کرد. وی بیان کرد عربستان امیدوار است ترامپ دوباره به قدرت برسد، زیرا در این صورت پشت او سنگر گرفته و علیه محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران با سرسختی بیشتری عمل خواهد کرد. وی افزود ادعاهای عربستان مبنی بر گسترش روابط با ایران صرفا تعارفات سیاسی است و در عمل روابط بین دو کشور در حال حاضر در حد صفر است. افقهی با یادآوری سفر ترامپ به عربستان پس از پیروزی در انتخابات ۲۰۱۶، گفت به دستور ملک سلمان، ۴۰۰ میلیارد دلار پول بلاعوض از سرمایه ملت عربستان به ترامپ هدیه داده شد. وی همچنین افزود ترامپ حتی پس از این هدایا به عربستان فحاشی می‌کرد و ارزش این کشور را مانند ارزش یک گاو شیرده می‌دانست. افقهی تأکید کرد زلف عربستان به زلف صهیونیست‌ها و به‌ویژه به حزب جمهوری‌خواه آمریکا گره خورده است و روابط آنها در دوران بایدن کمی به تیرگی گرایید.

قتل خاشقچی و تیرگی روابط عربستان با آمریکا

سیدافقهی در پایان به موضوع قتل جمال خاشقچی و تأثیر آن بر روابط عربستان و آمریکا اشاره کرد. وی گفت جو بایدن به طور مداوم عربستان را به قتل و تروریسم متهم می‌کرد و این موضوع باعث شد تا روابط میان دو کشور کمی تیره شود. با این حال، افقهی معتقد است با بازگشت ترامپ، این روابط دوباره بهبود خواهد یافت و پرخاشگری و سرسختی عربستان در مقابل محور مقاومت نیز افزایش خواهد یافت.